



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر

تاریخ: ۸/آذر/۱۳۹۶

موضوع جزئی: مباحث مقدماتی - واجب نفسی و غیره - تنبیهات -

مصادف با: ۱۰ ربیع الاول ۱۴۳۹

تنبیه سوم: راه حل دهم (امام خمینی) - حق در مسئله

سال نهم

جلسه: ۲۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

راه حل دهم برای حل مشکل عبادیت طهارات ثلاث که از سوی امام خمینی ارائه شده بود را نقل کردیم و مشخص شد که ایشان در واقع کلامشان متضمن یک وجه سلبی است و یک وجه ایجابی. در وجه سلبی محصل نظر ایشان این بود که به طور کلی عبادیت یک عمل نیازمند امر نیست و می توانیم یک عمل را عبادت بدانیم ولو این که امری در کار نباشد زیرا قصد قربت صرفا به معنای قصد امتثال امر نیست و معانی دیگری نیز دارد مثل «اتیان الفعل بداعی کونه مقربا الی المولی». نوع مردم هم این معنا به ذهنشان خطور می کند و اعمال عبادیشان را بیشتر به این وجه انجام می دهند. وجه ایجابی کلام امام خمینی این بود که حال که امر ضرورت ندارد پس عبادیت چگونه حاصل می شود؟ ایشان فرمودند در بعضی از افعال عبادیت آن ها ذاتی است مثل سجده و رکوع و در غیر این موارد هم عبادیت از طریق شرع به ما می رسد و می توانیم از راه اجماع یا بدهات فقه یا ضرورت مذهب یا ضرورت فقه یا ضرورت بین المسلمین کشف کنیم عبادیت یک عمل را. طهارات ثلاث نیز این گونه هستند عبادیت وضو و غسل و تیمم نیاز به امر ندارد عبادیت این عبادات از اموری است که بین مسلمین کاملا واضح و روشن است. مثلا اجماع داریم بر عبادیت این سه طهارت و همین کافی است مهم این است که این مسئله روشن شود.

اشکال به راه حل دهم

اگر قرار باشد عبادیت افعال و اعمال از طریق شرع به ما برسد مثل این که از طریق اجماع بفهمیم وضو عبادت است و نیاز به قصد قربت دارد یا غسل یا تیمم، فی الواقع برگشت این مسئله به همان امر است. یعنی وقتی می بینیم اجماعی بین المسلمین است که وضو عبادت است یا اجماعی در فقه است که وضو عبادت است، ما از این کشف می کنیم نظر و قول معصوم را. زیرا اجماع بنا بر مذهب ما و علمای ما در صورتی اعتبار دارد که کاشف از رای معصوم باشد. حال اگر اجماع بر عبادیت وضو محقق شد و ما کشف کردیم نظر معصوم را مبنی بر این که وضو عبادت است، در این صورت اجماع با امر چه فرقی دارد؟ کانه سوال از امام خمینی این است که شما تلاش کردید که امر را بر خلاف راه حل های دیگر از دایره راهتان کنار بگذارید (این تصریح کلام ایشان است که همه راه حل ها بر این استوار است که عبادیت متوقف بر امر است و اگر چیزی بخواهد عبادت باشد حتما شارع باید به

آن امر کند در حالی که امام خمینی در مقابل آن ها گفتند عبادت در افعال و اعمال لزوماً متوقف بر صدور امر از ناحیه شارع نیست و ما می توانیم به طریق دیگر این را بفهمیم) حال اجماع در واقع کشف رای معصوم می کند و کشف رای معصوم فی الواقع همان امر است و فرقی با امر ندارد سپس شما نتوانستید نیازمندی عبادت یک عبادت به امر را کنار بگذارید.

پاسخ

امام خمینی فرمودند ما قصد داریم عبادت طهارات ثلاث را ثابت کنیم ولی از پیش خودمان که نمی توانیم این را به دست بیاوریم. اگر شارع نباشد، چگونه بفهمیم شستن صورت و دو دست و سه مسح عبادت است؟ به حسب ظاهر این شستن ها و مسح کشیدن ها فرقی با تطهیر لباس ندارد. کسی که لباس نجس را آب می کشد که با آن لباس نماز بخواند با کسی که دست ها و صورتش را می شوید به حسب ظاهر مثل هم هستند اما یکی عبادت است و یکی عبادت نیست. اگر شارع نباشد نمی توانیم عبادت طهارت ثلاث را بفهمیم ولی بیان شارع لزوماً امر شارع نیست. فرق است بین امر شارع و بین کشف عبادت یک عمل از طریق شرع. محذور و مشکل زمانی است که با امر عبادت درست شود. لذا امام خمینی می فرماید: آن راه حل ها که نوعاً در صدد حل مشکل هستند بر این پیش فرض استوار می باشند که عبادت محتاج امر است، اما ما می گوئیم این نیازمند امر نیست زیرا می توانیم عبادت را از طریق شرع به دست بیاوریم ولی راهش منحصر در امر نیست. اگر مثلاً از راه اجماع به دست بیاوریم که وضو عبادت است، مثلاً می بینیم که بین فقهای شیعه و سنی اجماع است که وضو عبادت است برای ما عبادت وضو مسلم می شود ولی اگر رای معصوم را کشف کردیم آیا معنایش امر معصوم است؟ خیر. بین این دو ملازمه نیست. بین این که شارع مطلوبش را به ما بفهماند و بین این که راه فهماندنش چه باشد فرق است. امر یک راهی است برای فهماندن مطلوب مولی مثل «اقیموا الصلوة» که راه فهماندن وجوب نماز است. امر یک راه و یک قالب برای فهماندن مطلوب شارع است اما راه ها و قالب های دیگر نیز وجود دارد. اگر شارع طوری به عبد بفهماند یا عبد از راهی بفهمد و یقین کند که از نظر شارع وضو عبادت است این عبادت برای وضو ثابت می شود ولو این که امری در کار نباشد. پس بین عبادت یک عمل مثل وضو از طریق اجماع و بدهت و ضرورت و کشف عبادت یک عمل از طریق امر فرق است و لزوماً با هم منطبق نیست. اگر ما از طریقی فهمیدیم که وضو عبادت است همین برای ما کافی است. لذا وقتی عبادت وضو حل شود تمام مشکلات حل می شود. مشکل این بود که با امر غیر عبادت حاصل نمی شود حال اگر ما عبادت را از طریق دیگر بدست آوردیم این برای ما کافی است. پس این اشکال متوجه راه حل دهم نیست.

حق در مسئله

اساساً این تنبیه در مورد مشکل عبادت طهارات ثلاث مطرح شد و گفتیم که مهم ترین مشکل غسل و تیمم و وضو مشکل دور است. ولی مجموعاً پنج اشکال در این تنبیه مطرح شد.

اصل بحث این بود که امر غیر مثل امر به وضو برای اقامه نماز نه مستلزم ثواب است و نه باعث عبادت می شود. حال اگر امر غیر نه ثواب ساز است و نه عبادت ساز چطور وضو عبادت و مقرب الی الله است؟ تمام بحث به این جهت بود که این قضیه حل شود. یعنی با این که امر به آن ها امر غیر است ولی عبادت هستند و ثواب دارند و مقرب الی الله می باشند. تا کنون برای حل مشکل ده راه حل از اعلام بیان کردیم. در این میان راه حل هایی که بیان کردیم نه راه حل مبتلا به مشکل بود. مهم ترین راه حل های گذشته که محقق خراسانی آن را بیان کردند این بود که ما مشکل عبادت وضو و غسل و تیمم را از راه یک امر نفسی

استحبابی حل کنیم و بگوییم وضو عبادت شده زیرا به غیر از این امر غیری برای نماز خودش مستقلاً امر دارد و دلیل داریم که وضو و غسل فی نفسه مستحب هستند.

این راه حل چند مشکل داشت که مهم ترین آن ها در رابطه با تیمم این بود و آن این که دلیل و روایتی مبنی بر این که تیمم فی نفسه مستحب باشد نداریم. هر چند محقق خوئی ادعا کردند تیمم هم دلیل دارد که عبارت است از «التراب احد الطهورین» یعنی همین می تواند دلیل باشد که تیمم هم فی نفسه مستحب است ولی این مطلب قابل قبول نیست. به هر حال یک مانع مهم در برابر راه حل محقق خراسانی که عبادت طهارات ثلاث را از راه امر نفسی استحبابی حل کرده، این است که ما دلیلی بر استحباب تیمم نداریم. ولی عده ای این راه را قبول کردند و قصد داشتند عبادت طهارات ثلاث را از راه امر نفسی استحبابی حل کنند. اما به نظر ما این راهی که امام خمینی ارائه کردند اقوی و اصح از سایر راه حل ها می باشد و معتقدیم با این راه حل آن اشکالات همه بر طرف می شوند.

بررسی اشکالات بر اساس راه حل دهم

اشکال اول: مأمور به امر غیری ثوابی ندارد در حالی که در مورد طهارات ثلاث ثواب مترتب است.

پاسخ: زمانی که عبادت وضو و غسل و تیمم ثابت شد آن هم نه از راه امر بلکه ما به طریقی مثل اجماع کشف کردیم عبادت وضو و غسل و تیمم را قهراً هر عمل عبادی بر آن ثواب مترتب می شود.

اشکال دوم نیز حل می شود زیرا اگر عبادت وضو و غسل و تیمم را از راه اجماع به دست آوردیم قهراً مقرب الی الله تبارک و تعالی است. عمل عبادی یعنی عملی که اصلاً در آن قصد قربت می شود و عمل اتیان می شود بداعی کونه مقرباً الی المولا و قهراً وقتی عبادت وضو از راه اجماع ثابت شد این عمل می تواند مقرب خداوند باشد.

اشکال سوم: اگر امر غیری به چیزی متعلق شود، آن عمل واجب توصلی می شود. لذا نمی تواند یک واجب تبعیدی باشد که نیازمند قصد قربت باشد.

پاسخ: اگر از قبل عبادت چیزی ثابت شده باشد مثل وضو و غسل و تیمم که از راه اجماع عبادت آن ها ثابت شده قطعاً مشکل شان حل خواهد شد.

اشکال چهارم: اشکال دور است؛ یعنی از یک طرف عبادت طهارات ثلاث متوقف بر امر غیری است یعنی ما اگر بخواهیم عبادت وضو و غسل و تیمم را استفاده کنیم اول باید امر به وضو برای نماز بشود یعنی شارع اول باید بگوید «توضاً للصلوة» پس از یک طرف می خواهیم عبادت وضو را از امر غیری به وضو استفاده کنیم پس عبادت وضو متوقف می شود بر امر غیری و از طرف دیگر نیز امر غیری متوقف بر عبادت وضو است. زیرا امر به وضو به عنوان مقدمه نماز نمی تواند به چیزی متعلق شود که عبادت نباشد. اول باید عبادتیش ثابت شود، زیرا ما یقین داریم وضویی مقدمه نماز است که قصد قربت می خواهد و صرف شستن دست و صورت نماز نیست. پس اول عبادت وضو باید مسجل شود و بعد امر غیری به آن متعلق شود. پس امر غیری نیز متوقف شد بر عبادت وضو و این دور است. از یک طرف امر غیری متوقف بر عبادت وضو است و از طرف دیگر عبادت وضو نیز متوقف بر امر غیری است.

پاسخ: اساساً طبق راه حل امام خمینی ما از راه امر عبادیت را ثابت نکردیم. در صورتی مشکل دور پیش می آید داشتیم که بخواهیم عبادیت طهارات ثلاث را از راه امر استفاده کنیم اما اگر گفتیم عبادیت متوقف بر امر نیست دیگر این اشکالات پیش نمی آید.

اشکال پنجم: امر نفسی استحبابی با امر غیر قابل اجتماع نیستند. طبق راه حل محقق خراسانی مشکل اجتماع حکمین و اجتماع المثلین پیش می آید یعنی از یک طرف وضو خودش مستحب است و از یک طرف به عنوان مقدمه للصلوه امر غیر متوجه آن می شود. بالاخره وقتی امر غیر متوجه وضو می شود و گفته می شود «توضاً للصلوة» آیا آن هنگامی که امر غیر می آید آن امر نفسی وجود دارد یا نه؟ در هر صورت مشکل دارد، امکان ندارد وضو هم مستحب نفسی باشد و هم واجب غیر. حل این اشکال از طریق راه حل محقق خراسانی مشکل است زیرا ایشان از طریق امر نفسی استحبابی می خواست آن را عبادت کند و بعد هم امر غیر برای نماز متعلق شود به وضو که اجتماع المثلین و اجتماع الحکمین پیش می آید.

پاسخ: ما دیگر عبادیت وضو را از راه امر نفسی استحبابی ثابت نمی کنیم بلکه می گوئیم عبادیت از طریق شرع ثابت می شود. وضو عبادت است و وقتی اصل عبادیت و صلاحیت عمل برای عبادت ثابت شد آن گاه امر غیر به او متوجه می شود و واجب غیر می شود. وضو فی نفسه قابلیت عبادت را دارد که این از شرع استفاده می شود و ثواب بر آن مترتب است و مقرب به خدا می شود، آن گاه امر غیر هم به آن متوجه می شود که برای نماز مقدماتی آن شود. پس اشکال اجتماع دو امر نیست.

ان قلت: بالاخره این جا دو حکم اجتماع کردند یکی وجوب شرعی غیر و یکی استحباب. طبق راه حل امام این طور نیست که وضو مستحب نباشد، ایشان می فرمایند: استحباب از طریق امر ثابت نشده ولی اصل مستحب بودن و عبادیتش همچنان باقی است منتهی از راه اجماع به دست آمده.

به عبارت دیگر: تا زمانی که وقت نماز نشده وضو مستحب است و عبادیتش را از اجماع فهمیده ایم اما به محض دخول در وقت نماز وضو یک وجوب غیر پیدا می کند برای نماز. بالاخره بعد از دخول در وقت نماز، آیا وضو هم مستحب و هم واجب است؟ بالاخره اجتماع الحکمین شده است (واجب بالوجوب الغیری مقدمتا للصلوة و مستحب نفسی).

قلت: این در صورتی است که ما قائل به وجوب شرعی مقدمه شویم. اما اگر وجوب شرعی مقدمه را انکار کنیم و تنها لابدیت عقلیه را قبول کنیم دیگر مشکلی نیست. لذا می گوئیم وضو مقدمه نماز است اما این مقدمه وجوب شرعی ندارد بلکه یک لابدیت عقلی دارد و اجتماع لابدیت عقلی و استحباب مشکلی ندارد، آن چیزی که محال است اجتماع دو حکم شرعی است اما اجتماع یک حکم شرعی با لابدیت عقلیه هیچ مانعی ندارد بعلاوه اگر این مبنا را هم کنار بگذاریم می توانیم به نوعی تصویر کنیم اجتماع این دو حکم را که مشکلی نباشد به این صورت که بگوئیم متعلق این دو حکم با هم متفاوت هستند و لذا قابل جمع می باشند و این قابل تصویر است.

«الحمد لله رب العالمین»